

آثار گردآوری شده و اصالت

مهدی زاهدی^۱ - شیرین شریفزاده^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۵

چکیده

آثار گردآوری شده مجموعه‌ای از داده‌ها و اطلاعات از قبل موجود را شامل می‌شوند که توسط پدیدآورنده در یک اثر مستقل انتخاب، گزینش و چیدمان شده‌اند، بدون آن‌که خود چیزی بر آن بیفزاید، مانند جُنگ‌های ادبی، گزیده آثار، دفترچه‌های راهنمای تلفن و نظایر آن‌ها. از آنجایی که اصالت از شروط اصلی نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری برای حمایت از اثر است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا آثار مزبور از اصالت لازم برای حمایت در این نظام برخوردارند یا خیر؟ کشورهای پیرو نظام حقوقی کپی‌رایت، دیدگاه عینی و اختلاف دیدگاه موجب شد تا سال‌ها در خصوص مفهوم اصالت در رویه قضایی اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ اما رأی فیست با ابداع معیار «جرقه»، عنصر خلاقیت را به مفهوم اصالت ملحق کرد، تشتت آرا را از میان برداشت و اصالت را در گرو گزینش‌های خلاقانه قرار داد. معیار جرقه آمریکایی به‌عنوان کاربردی‌ترین معیار احراز اصالت، مورد اقبال نسبی نظام‌های حقوقی قرار گرفت. مقاله حاضر با تحلیل آرای قضایی صادره به این نتیجه دست می‌یابد که گردآوری آثار موجود تنها در صورتی که به یک روش غیربدهی و به‌نحو خلاقانه انجام شده باشد، شایستگی حمایت را خواهد داشت و این حمایت تنها شیوه‌های گزینش و انتخاب مؤلف را در برمی‌گیرد و محتوای اثر مشمول حمایت نخواهد بود.

واژگان کلیدی: اصالت، آثار گردآوری شده، پرونده فیست، رویه قضایی آمریکا، خلاقیت.

مقدمه

حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری در ذات خود همواره با یک موضوع بحث‌برانگیز متقابل روبه‌روست. این نظام حقوقی از یک سو با نیاز مؤلفان به نظارت و کنترل و کسب درآمد از آثارشان و از سوی دیگر با نیاز مصرف‌کنندگان در دسترسی آسان و بی‌هزینه به آثار فرهنگی مواجه است. با این حال، این نظام همواره تلاش می‌کند تعادلی مناسب میان حقوق پدیدآورندگان آثار، یعنی مؤلفان و هنرمندان، از یک سو و حقوق مصرف‌کنندگان، یعنی عموم جامعه، از سوی دیگر به وجود آورد. بسیاری از موضوعات مورد بحث در حقوق مالکیت ادبی و هنری و نتایج حاصل از آن به‌طور مستقیم بر چگونگی این تعامل مؤثر است؛ از جمله می‌شود به موضوع حمایت از ایده، تعیین مصادیق استفاده منصفانه و از همه مهم‌تر لزوم برخورداری آثار از شرط اصالت اشاره کرد.

اصالت از شروط اصلی برای جلب حمایت از اثر در نظام حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری است. با این حال، در کنوانسیون برن، معیار اصالت به‌عنوان شرط حمایت ذکر نشده و در اکثر قوانین ملی نیز اصالت تعریف نشده است. مرور قوانین ملی کشورها برای درک مفهوم واحدی از اصالت این نتیجه را در پی دارد که این مفهوم به اندازه تعداد همان کشورها مختلف است. در عوض، تفسیر آنکه چه اثری اصیل است، عمدتاً به عهده دادگاه‌ها گذاشته شده است. با این وجود، پر واضح است که اصالت معیار پذیرفته شده بین‌المللی برای تحصیل حمایت است و آثار ادبی و هنری تنها زمانی قابلیت دارا شدن این حمایت را پیدا می‌کنند که اصیل باشند.

دادگاه‌های کشورهای اروپایی در تعریف اصالت به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. گروه اول، کشورهای دارای نظام کامن‌لا، اصالت را به مفهوم ساده تقلیدی و کپی‌نمودن اثر نسبت به آثار قبلی تعریف کرده‌اند. به عقیده ایشان و بر اساس دیدگاه عینی، همین که اثر از تلاش و کار خالق آن نشأت گرفته باشد و تقلیدی از آثار پیش از خود نباشد، اصیل محسوب و شایستگی حمایت کپی‌رایت را خواهد داشت. گروه دوم یا کشورهای دارای نظام رومی-ژرمنی معتقدند آثاری دارای شرط اصالت هستند که منعکس‌کننده شخصیت، سبک، فردیت و روش شخصی پدیدآورنده باشند. از منظر دیدگاه ذهنی، اثر ادبی و هنری که قادر به انعکاس روحیات خاص پدیدآورنده اثر نباشد و به تعبیری در جزء جزء اثر، امضا نویسنده مشهود نباشد، اصیل محسوب نمی‌شود و در نتیجه، صلاحیت کسب حمایت نظام حق مؤلف را نخواهد داشت. انعکاس این دو دیدگاه در آرای مختلف صادره از دادگاه‌های کشورهای اروپایی تا زمان صدور رأی در پرونده

فیست، موجب تشمت آرا برای مدتی طولانی شد. رأی صادره دادگاه عالی ایالات متحده در دعوی انتشارات فیست علیه شرکت خدمات تلفن رورال که عنصر جدیدی به نام خلاقیت را به معیارهای احراز اصالت اضافه کرد، به عنوان یک تصمیم تاریخی مورد ستایش قرار گرفت. این تصمیم که الگوی نوینی را از مفهوم اصالت بنا نهاد، بعدها توسط بسیاری از کشورهای دنیا پذیرفته شد. در ایالات متحده آمریکا، دادگاه‌ها، معیار سنتی انگلستان (معیار تلاش، عرق جبین، کار شاق)^۱ را تا سال‌ها جهت احراز اصالت به کار می‌بردند اما در سال ۱۹۹۱ دادگاه عالی اعلام کرد که معیار تلاش بایستی با عنصر خلاقیت همراه باشد. این معیار در نظام حقوقی آمریکا به عنوان معیار «جرقه»^۲ شناخته می‌شود.

برخی از آثار ادبی و هنری از قبیل مجموعه گزیده آثار، گلچین اشعار، جُنگ‌های ادبی، دفترچه‌های راهنمای تلفن و رستوران، کاتالوگ‌ها، پایگاه‌های داده و نظایر آن‌ها هرچند اثر مستقل محسوب می‌شوند؛ لیکن پدیدآورنده خود در ایجاد داده‌ها و اطلاعات مندرج در اثر نقشی نداشته است، بلکه آن‌ها را بدون افزودن چیزی به آن از آثار پیشین یا اطلاعات موجود گردآوری کرده است. به این گونه آثار، آثار گردآوری شده می‌گویند که پدیدآورنده تنها در گزینش و چیدمان داده‌ها یا اطلاعات دخالت می‌کند.

دشواری تبیین مفهوم، معیار و قلمرو اصالت در آثار گردآوری شده بسیار بیشتر از سایر آثار ادبی و هنری است؛ زیرا، همان طور که گفته شد، در این آثار، پدیدآورنده تنها در انتخاب مطالب یا گزینش اطلاعات سهیم است و چنانچه عنصر خلاقیت را شرط احراز اصالت بدانیم با این پرسش اساسی روبه‌رو خواهیم شد که آیا گزینش و انتخاب می‌تواند عنصر خلاقیت را در بر داشته باشد یا خیر؟ این مقاله تلاش دارد با تبیین مفهوم کلی اصالت در آثار ادبی و هنری و بیان دیدگاه‌های مختلف در این خصوص به مفهوم دقیق اصالت با استناد به آرای قضایی کشورهای مختلف خصوصاً رویه قضایی آمریکا نزدیک شود و به این سؤال پاسخ دهد که شرط اصالت در آثار گردآوری شده چگونه احراز و دامنه آن تا چه اندازه گسترش می‌یابد؟ از این رو، این نوشتار به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: در بخش اول مفهوم کلی اصالت و معیارهای احراز آن و در بخش دوم آثار گردآوری شده، چگونگی احراز اصالت، مفهوم خلاقیت و دامنه حمایت از این گونه آثار بررسی می‌شوند.

1. Sweat of the Brow.

2. Spark.

گفتار اول

۱. اصالت

در مفهوم عام اصالت به معنای تازه^۱، روش نوین^۲، نوظهور^۳، جدید^۴، نوگرایانه^۵، آغازین^۶ و نخستین^۷ تعریف شده است (Sotomi, 2005: 6). لغت‌نامه ویستر^۸ در مقابل واژه اصالت پنج معنی را آورده است:

* اولین: موجود برای اولین بار؛

* جدید: کاملاً جدید و رونوشت و اقتباس از دیگری نبودن؛

* خلاقانه: نشان‌دهنده توانایی خلاقانه فکری؛

* غیر سنتی: خروج از اعمال سنتی و پیشین؛

* منبع برای تقلیدها.

در حقوق مالکیت ادبی و هنری به همه این معانی توجه شده و نظام‌های ملی از یکی از این مفاهیم یا تلفیقی از آنان در تعریف اصالت استفاده کرده‌اند. در برخی کشورها، مانند فرانسه، اصالت به معنای آن است که اثر؛ متضمن یک سبک مشخص و شخصی از پدیدآورنده آن باشد. در برخی دیگر، مانند انگلستان، تنها زمانی اثر اصیل ارزیابی می‌شود که رونوشت از آثار دیگران نباشد. برخی نیز، مانند آمریکا، اصالت را به مفهوم تازگی و منبعث از تخیل نویسنده می‌دانند (Fenzel, 2007: 556).

یکی از نویسندگان در تعریف اصالت و ویژگی‌های آن می‌گوید:

اصیل بودن اثر یعنی آفریننده در جریان آفرینش اثر، از هیچ‌کس تقلید یا کپی نکرده باشد. آثار اصیل دارای هویت^۹، شیوه^{۱۰}، فردیت^{۱۱} و روش شخصی^{۱۲} آفریننده است که این خصوصیات شخصیتی خود را در قالب کلمات مناسب و مؤثر از طریق پردازش ایده‌ها بیان می‌کند. همه ما مقداری اصالت داریم که از خاص بودن طبیعت‌مان سرچشمه می‌گیرد. این اصالت در واقع همان

1. Fresh.
2. New- Fashioned.
3. NewFangled.
4. Modern.
5. Modernistic.
6. Initial.
7. Primordial.
8. Encaraa Websee's ii ctionary of The Englssh Lnnguage (2d ed. 2004).
9. Personality.
10. Style.
11. Individuality.
12. Personal Way.

شخصیت ماست که کم‌وبیش شکل می‌پذیرد و از طریق آثار ادبی و هنری قابل شناسایی است. اصالت را می‌توان به‌عنوان تجلی شخصیت خالق در اثرش توصیف کرد. به همین دلیل است که وقتی دو نویسنده مکان واحدی را توصیف می‌کنند، دو شاعر شعری را دربارهٔ یک موضوع می‌سرایند و دو پیکرتراش یک پرنده را می‌سازند، آثار اصیل متفاوتی آفریده‌اند، زیرا سبک شخصیتی و ضمیر القا شده در آثار آنان، نمودهای متفاوتی یافته است (Ros, 2014: 463-465).

نظر اخیر در برخی از آرای صادره در نظام حقوقی آمریکا نیز انعکاس یافته است. دادگاه استیناف ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۱ و در جریان رسیدگی به پرونده شرکت هنرهای زیبای کاتالدا^۱ لازمه اصالت را کمی بیش از تنها کپی نبودن توصیف می‌کند و بیان می‌کند که اگر اثری یک تفاوت قابل تشخیص از یک اثر دیگر به نمایش گذارد، حقوق فرض می‌کند که این تفاوت، امضای شخصی مؤلف را دارا است و بنابراین، شایسته حمایت کپی‌رایت است؛ حتی اگر این تفاوت تصادفی باشد (Littrell, 2002: 200).

علی‌رغم وجود این توصیفات در تبیین مفهوم اصالت، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱۸۸۶) و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) (۱۹۹۴) که مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری قلمداد می‌شوند، تعریفی از اصالت ارائه ندادند و حتی به ضرورت اصیل بودن آثار برای جلب حمایت اشاره نکرده‌اند.

این مسئله تعجب‌برانگیز نیست؛ زیرا وضعیت و شرایط حمایت از آثار بسته به قوانین کشورها متفاوت است. برخی از این قوانین، مانند فرانسه، به ضرورت اصیل بودن آثار در حقوق مالکیت ادبی و هنری اشاره کرده‌اند؛ بدون آن که آن را تعریف کنند و برخی، مانند ایران و آلمان^۲، حتی آن را در قوانین خود مطرح نساخته و به‌صورت ضمنی به آن اشاره کرده‌اند.

ضرورت وجود اصالت در آثار ادبی و هنری اعم از اینکه در قانون بیان شود یا از خلال دکرترین حقوقی و رویه قضایی استنباط شود، بسته به نظام حقوقی کشورها ممکن است امری عینی^۳ یا ذهنی^۴ قلمداد شود. از دیدگاه عینی، یک اثر در صورتی اصیل است که نتایج مقایسه آن با آثار قبلی ثابت کند که نه تنها کپی نیست، بلکه حداقلی از تلاش فکری را به نمایش می‌گذارد.

1. Alfred Bell & Co v. Catalda Fine Arts, Inc. United States Court of Appeals for the Second Circuit 191 F, 2d 99(1951).

۲. در خصوص ایران در مباحث آتی به آن پرداخته خواهد شد اما در نظام حقوقی آلمان از عبارت «منحصر به فرد بودن» برای بیان مفهوم اصالت استفاده شده است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: زرکلام، ستار، (۱۳۸۴)، قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان، (ترجمه)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

3. Objective.

4. Subjective.

نظام کپی‌رایت آمریکا و کشورهای آنگلو‌ساکسون از معیار عینی برای احراز اصالت پیروی می‌کنند. از دیدگاه ذهنی، یک اثر در صورتی اصیل قلمداد می‌شود که نمایانگر شخصیت نویسنده و روحیات خالق آن باشد. تفسیر و تعریف اصالت از این منظر، مخصوص نظام حق مؤلف در کشورهای پیرو حقوق رومی ژرمنی مانند فرانسه و بلژیک است. دیدگاه ذهنی دیرینه‌ترین سنت در رویکرد به اصالت است (Ros, 2014: 465).

۲. معیارهای احراز اصالت

۲-۱. نظام حق مؤلف

در نظام حق مؤلف، اصیل بودن اثر بر معیار ذهنی رابطه پدیدآورنده با اثر استوار است. به عبارت دیگر، اثر باید زاینده تراوش‌های فکری پدیدآورنده باشد تا از حمایت قانونی و قضایی برخوردار شود (زرکلام، ۱۳۸۶: ۳۸). احراز اصالت در این نظام به این صورت است که اثر بایستی شرح‌دهنده یا بازتاب شخصیت خالق آن باشد. این معیار که از قرن ۱۹ میلادی ظهور یافت، با مبانی شناسایی مالکیت فکری هگل^۱ مطابقت دارد. با این حال ارزیابی و احراز اصالت اثر بر اساس این معیار در آن زمان قابل درک است که آثار ادبی و هنری به تألیفات نویسندگان، آثار نقاشی و مجسمه‌سازی محدود بود اما امروزه نمی‌توان در خصوص آثاری همچون برنامه‌های کامپیوتری و پایگاه‌های داده از این دیدگاه بهره جست (Judge, 2010: 372)؛ زیرا ماهیت این گونه آثار به‌صورتی است که نمی‌تواند منعکس‌کننده روح و شخصیت خالق آن باشد. بر همین اساس، معیار خلق شخصی در قوانین ملی این کشورها از طریق دادگاه‌ها تعدیل یافته است.

۲-۲. نظام کپی‌رایت

در کشورهای دارای نظام کپی‌رایت، مانند انگلیس، که دیدگاه عینی را پذیرفته‌اند، ضابطه احراز اصالت مبتنی بر معیار «تلاش» است. در این نظام و در چارچوب پیشینه‌های قضایی، احراز اصالت منوط به این است که اولاً اثر حاصل کار پدیدآورنده آن باشد و کپی اثر شخص دیگری نباشد و ثانیاً حاکی از مهارت و زحمت خالق اثر باشد (زرکلام، ۱۳۸۶: ۳۸). این معیار برای اولین

۱. Hegeliam - از دیدگاه هگل مبانی شناسایی نظام مالکیت فکری، شخصیت پدیدآورنده و حقوق مرتبط به آن است. به عقیده هگل، معرفت، دانش، استعدادها و مانند این‌ها بی‌گمان صفت روح آزاد هستند و نسبت به انسان جنبه درونی دارند نه بیرونی اما روح، این توانایی را دارد که از راه بیان و آشکارسازی، به این خصوصیات فردی وجه بیرونی دهد و در آن‌ها دخل و تصرف کند. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، (۱۳۹۴)، عناصر فلسفه حق، ترجمه مهد ایرانی طلب، چاپ سوم، تهران: قطره.

بار در پرونده لین^۱ در سال ۱۹۰۰ میلادی مطرح شد و مجلس اعیان آن را پذیرفت. در این دعوی، موضوع مورد مناقشه آن بود که آیا پیاده‌سازی تحت‌اللفظی یک سخنرانی شفاهی که متعاقباً در یک روزنامه چاپ شده است، می‌تواند از حمایت قانونی کپی‌رایت برخوردار شود یا خیر؟ دادگاه در نهایت اعلام کرد با توجه به میزان کار انجام شده توسط خبرنگار در ضبط سخنرانی و پیاده‌سازی آن در قالب یک گزارش، اثر نهایی به وجود آمده نتیجه کار و مهارت خبرنگار است و قابلیت حمایت کپی‌رایت را داراست (Hariani, 2011: 540).

مطابق این معیار در بریتانیا، اصالت اساساً به مفهوم «کپی نبودن» است و تنها میزان اندکی از مهارت، کار و قدرت تشخیص^۲ برای به دست آوردن حمایت کپی‌رایت کافی است. به موجب رویکرد سنتی بریتانیایی به معیار اصالت، خالق برای خلق یک اثر به خلاقیت نیازی ندارد و تنها می‌بایست اثری را بیافریند که کپی از آثار دیگران نباشد. تحت این معیار حتی یک عکس فوری ساده و اتفاقی نیز شایسته حمایت کپی‌رایت است (Fanzel, 2007: 572). رأی صادره در این قضیه اگرچه در زمان حاکمیت قانون ۱۸۴۲ انگلستان صادر شد؛ لیکن حتی پس از تصویب قانون کپی‌رایت ۱۹۰۹ و قوانین آتی دیگر، حمایت کپی‌رایت در این کشور با یکی از معیارهای «مهارت و کار» یا «تلاش» صورت می‌گیرد و هیچ عنصر خلاقانه‌ای را جهت احراز اصالت اثر لازم نمی‌داند. دادگاه‌های انگلستان همواره تصریح کرده‌اند که معیار تلاش برای آنان در احراز اصالت به‌تنهایی کفایت می‌کند (Hariani, 2011: 511).

این رویکرد در بیشتر کشورهای دارای نظام حقوق عرفی مانند استرالیا، نیوزلند و هندوستان اتخاذ می‌شود. با اینکه دادگاه‌های این کشورها معیار تلاش را برای احراز اصالت لازم می‌دانند و بر سر آن با یکدیگر توافق دارند؛ لیکن در خصوص مفهوم دیگری به نام «خلاقیت»^۳ از یکدیگر فاصله می‌گیرند. از نظر برخی از این دادگاه‌ها معیار و الزام دیگری در کنار معیار تلاش (مهارت، کار و قدرت تشخیص) ضروری است تا بیانی را اصیل و قابل حمایت کپی‌رایت سازد و آن معیار «خلاقیت» است که در مباحث آتی آن بررسی می‌شود.

انگلستان در تنظیم و تصویب بخشی از مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق مالکیت فکری از جمله حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری مانند کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس، از ابتدا تاکنون دخالت داشته است. اسناد مزبور، کشورهای امضاکننده را به مقرراتی ملزم می‌کنند که شامل

1. Walter v. Lane (1900) AC.539.
2. Skill, Labor and Judgement.
3. Creativity.

معیارهای حداقلی است. همان گونه که بیان شد، تعریف اصطلاح «اصالت» و لزوم آن در این اسناد بین‌المللی نیامده است اما تاریخچه مذاکرات، تنظیم، تصویب و بحث‌های مقدماتی آن‌ها ممکن است در تفسیر برخی اصطلاحات راهگشا باشد. برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که معیار سنتی «تلاش» که در انگلستان پذیرفته شده است با تعریف قابل استنباط از اصالت در کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریس قابل تطبیق نیست. *دانیال گرویس*^۱ بر این عقیده است که کنوانسیون برن اصطلاح اصالت را در مفهوم اثری که در آن خالق، خصوصیات شخصی‌اش را ارائه می‌دهد به کار برده است. این برداشت، از مذاکرات کنفرانس بازرینی برلین در سال ۱۹۰۸ قابل برداشت است. *گرویس* بر این نظر است که تاریخ تقنینی کنوانسیون برن نشان می‌دهد که تدوین‌کنندگان کنوانسیون در تعریف اصالت، بیشتر شخصیت محور بوده‌اند تا وفادار به تعریف سنتی انگلیس (Fenzel, 2007:375). ناسازگاری مفهوم اصالت در کنوانسیون برن با حقوق انگلیس این نتیجه را به دنبال دارد که معیار «تلاش» آن‌چنان که در سنت انگلیسی به‌عنوان باور سابق ریشه داشته است، امروزه مقبول نیست. به علاوه، او بر این اعتقاد است که معیار «تلاش» با قصد قانون‌گذار در تصویب قانون انگلیسی «آن»^۲ در ۱۷۱۰ که به منظور تشویق فرهیختگان به نوشتن کتاب‌های مفید تدوین یافته بود مغایر است؛ زیرا از نظر وی قصد قانون‌گذار از کتاب‌های مفید همانا کتاب‌هایی است که دارای حداقلی از خلاقیت است و سودمندی صرف، موردنظر قانون‌گذار نبوده است. در صورت پذیرش سخن *گرویس*، قانون «آن» به الزامات قانونی آمریکایی در کپی‌رایت شبیه می‌شود که همانا ارتقای روند دانش است (Fenzel, 2007: 576).

۲-۳. نظام کپی‌رایت آمریکا

نظام حقوقی آمریکا با این که جزئی از نظام حقوقی کپی‌رایت است و دادگاه‌های آمریکا سال‌ها معیار سنتی انگلستان را جهت احراز اصالت به کار می‌بردند؛ لیکن در سال ۱۹۹۱ دادگاه عالی این کشور این معیار را به‌تنهایی برای احراز اصالت کافی ندانست و در پرونده فیست^۳ اعلام کرد معیار تلاش بایستی با عنصر خلاقیت همراه باشد و بدین طریق، روشن ساخت که خلاقیت عنصری مهم در تشخیص اصالت است (Littrell, 2002: 193).

در دعوای فیست، موضوع اختلاف این بود که شرکت تخصصی فیست در کتابچه‌های راهنمای

1. Daniel Gervais.

2. Anne 1710.

3. Feist publications, Inc V.Rural Telephone Service Co. 499 U.S.340 (1991).

تلفن منتشره خود از برخی فهرست‌های تلفنی انتشار یافته به وسیله شرکت خدمات تلفنی رورال، یک شرکت خدمات تلفن محلی در شمال غرب کانزاس، بدون مجوز استفاده کرده بود. دیوان عالی ایالات متحده ادعای شرکت خدمات تلفن رورال را رد کرد و بیان کرد که فهرست‌های تلفن رورال قابلیت حمایت کپی‌رایت را ندارند، حتی اگر گردآورنده تلاش قابل توجهی برای جمع‌آوری این فهرست صرف کرده باشد. در این حکم، دادگاه صراحتاً معیار «تلاش»، یعنی حمایت کپی‌رایت از خالق به لحاظ کار صرف، را مردود شمرد (Fenzel, 2007: 565). دادگاه همچنین تأکید کرد که شرط اصالت نمی‌تواند به سادگی با کنار هم قرار دادن عباراتی محقق شود، بلکه اثر بایستی «حداقل درجه‌ای از خلاقیت»^۱ را دارا باشد تا شایسته حمایت کپی‌رایت تلقی گردد (Hariani, 2011: 510).

از نظر دادگاه، صرف بیان واقعیت خارجی نمی‌تواند از طریق کپی‌رایت حمایت شود؛ زیرا چنین آثاری، آفرینش مؤلف محسوب نمی‌شوند. دادگاه این نظر را پذیرفت که بین ایجاد و کشف، تمایزی وجود دارد و این تفاوت باید مدنظر قرار گیرد. کسی که یک واقعیت خاص را می‌یابد و گزارش می‌دهد، آن حقیقت را ایجاد نکرده است؛ او صرفاً وجود آن را کشف کرده و بنابراین مؤلف و سازنده آن نیست (Abrams, 1992: 9).

معیار فیست پس از آن در بسیاری از آرای صادره در ایالات متحده آمریکا مورد استناد قرار گرفت، به نحوی که می‌شود آن را یک نقطه عطف در احراز اصالت محسوب کرد. امروزه در نظام حقوقی آمریکا یک اثر به عنوان اثر اصیل شناخته نمی‌شود، مگر اینکه حدی از خلاقیت در بیان آن به کار گرفته شده باشد (Hariani, 2011: 510). این معیار در نظام حقوقی آمریکا به عنوان معیار «جرقه» شناخته می‌شود. رأی فیست صراحتاً معیار جرقه را جایگزین معیار تلاش کرد؛ هرچند برخی از نویسندگان معتقدند که رای صادره در پرونده فیست، معیار جدیدی برای اصالت ارائه نکرده است، بلکه آن را دوباره شرح داد که تا قبل از این به طور واضحی تعریف نشده بود. از نظر ایشان معیار جرقه در دادگاه عالی آمریکا در پرونده قدیمی سارونی^۲ به طور ضمنی بیان شده بود. در سال ۱۸۸۴ دادگاه در این پرونده می‌بایست در خصوص اصالت عکس گرفته شده از داستان‌نویس مشهور ایرلندی/سکار وایلد^۳ توسط سارونی اظهار نظر می‌کرد. دادگاه نهایتاً در رأی خود اصالت عکس را تصدیق کرد و «انتخاب‌های خلاق» عکاس از جمله ژست، صحنه، لباس،

1. At least Some Minimal Degree of Creativity.

2. Burrow-Giles Lithographic Company v. Sarony 111 U.S.53 (1884).

3. Oscar Wilde.

نورپردازی، لوازم و مجموعه هارمونی آن را از ادله تصمیم خود بیان کرد (Gervais, 2002: 951).

۴-۲. نظام حقوقی ایران

همان طور که پیش از این ذکر شد، در نظام حقوقی ایران به ضرورت اصیل بودن آثار تصریح نشده، بلکه به طور ضمنی به آن پرداخته شده است. در حقوق ایران مفهوم اصالت تحت عنوان ابتکاری بودن اثر مورد توجه مقنن قرار گرفته است. قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ اثر را آن چیزی تعریف می کند که از راه دانش و هنر یا ابتکار پدیدآورنده ایجاد می شود (زرکلام، ۱۳۸۷: ۴۵). ماده ۱ و بندهای ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ماده ۲ این قانون به ابتکاری بودن برخی از آثار مورد حمایت، مستقیماً تصریح نموده است. از نظر برخی از حقوقدانان ایرانی، اصالت در نظام حقوقی ایران به همان مفهوم نظام حق مؤلف است و دارای مفهوم شخصی است نه نوعی. بدین معنا آنچه شرط حمایت محسوب می شود این است که اثر مظهر شخصیت پدیدآورنده باشد؛ ولی تازگی آن از لحاظ موضوع شرط نیست، مثلاً اگر دو نقاش یکی پس از دیگری، از یک منظره طبیعی تابلوهای مشابهی بکشند، بی آنکه یکی از دیگری تقلید کند، هر دو اثر اصیل تلقی می شوند و مورد حمایت قانون می باشند؛ هر چند که تابلو دوم از لحاظ موضوع تازگی ندارد (صفایی، ۱۳۸۱: ۵۵). در «لایحه حمایت از مالکیت فکری» که در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد و هنوز لباس قانون به تن نکرده است، کتاب اول، مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، بند ۲ ماده ۱ در تعریف اثر ادبی و هنری مقرر کرده است: «هر آفریده فکری اصیل در زمینه های علمی و ادبی و هنری که در این قانون اثر نامیده می شود» و در بند ۱۴ همین ماده در تعریف اصالت آمده است: «عبارت است از اینکه اثر از خلاقیت پدیدآورنده ناشی شده باشد و برگردان (کپی) از اثر دیگری نباشد، هر چند از لحاظ موضوع، محتوا یا شکل جدید نباشد». به نظر می رسد علاوه بر اینکه در لایحه جدید به اصیل بودن اثر قابل حمایت تصریح شده، معیار اصالت تلفیقی از هر دو معیار عینی و ذهنی است و به معیار جرقه آمریکایی نزدیک شده است.

۳. تأثیر رأی فیست بر رویه قضایی کشورها

پیش از این گفته شد هدف حقوق مالکیت ادبی و هنری ایجاد تعادل میان منافع عمومی در دسترسی به آثار ادبی و هنری و در عین حال اعطای پاداش مناسب برای خالق اثر است. زمانی که

دادگاه‌ها برای احراز اصالت؛ تنها معیار تلاش و صرفاً کپی نکردن را برای خلق یک اثر لازم می‌دانستند، این تعادل به سود خالق و به بهای از دست رفتن منافع جامعه در بهره‌برداری آسان از آثار منجر می‌شد. در مقابل، زمانی که معیار سخت‌گیرانه‌تری در برقراری قابلیت حمایت نظام مالکیت ادبی و هنری اتخاذ می‌شود، امکان رونق حیطة عمومی وجود خواهد داشت و همگان توانایی خلق آثار جدید را بر مبنای ایده‌ها و اطلاعات موجود در آثار دیگران به دست می‌آورند (Judge, 2010: 394). به دلیل همسویی معیار جرعه با اهداف این نظام، تشویق به ایجاد و خلق آثار خلاقانه، نظام‌های حقوقی متأثر از حقوق انگلستان، اخیراً در تصمیم‌گیری‌های خود به معیار جرعه نزدیک شده‌اند. دادگاه تجدیدنظر استرالیا در پرونده شرکت سیستم بازاریابی *دسکتاب*^۱ و دادگاه نیوزلند در پرونده شرکت *بنچ مارکینگ*^۲، هر دو حمایت کپی‌رایت را برای آثاری در نظر گرفته‌اند که از حداقل خلاقیت برخوردار باشند (Hariani, 2011: 511).

در دادگاه‌های هندوستان هیچ اظهارنظر روشن و واحدی در خصوص معیار اصالت وجود ندارد. این دادگاه‌ها در موارد متعددی معیار تلاش را در نظر گرفتند و تأکید کردند که یک اثر برای احراز اصالت نیازمند مهارت، تلاش و کار است که توسط خالق برای به وجود آوردن آن انجام شده و محروم کردن یک مؤلف از دسترنج کار خود غیرمنصفانه است. با این حال رویه قضایی هندوستان تحت تأثیر آرای صادره در کانادا، معیار «حداقل خلاقیت» در رأی فیست را پذیرفته‌اند (Judge, 2010: 395). در پرونده شرکت ای‌بوک^۳، دادگاه عالی دهلی‌نو در پاسخ به این سؤال که آیا تیرهای گزارش شده موضوع دعوی، اصیل هستند یا خیر؟ صراحتاً به تصمیم اتخاذ شده در پرونده فیست اشاره کرد و معیار «حداقل خلاقیت» همراه با معیار تلاش و کار را ضروری دانست (Hariani, 2011: 513).

معیار کشورهای دارای حقوق نوشته همانند فرانسه و آلمان برای احراز اصالت تا حدی به معیار

1. Desktop Marketing System Pty Ltd.; v. Telstra Corp Ltd (2002) FCAFC 112

در این پرونده، شرکت *دسکتاب* از اطلاعات مندرج در دفترچه‌های راهنمای تلفن که قبلاً توسط شرکت *تل‌استرا* منتشر شده بود، استفاده و با اضافه کردن برخی داده‌های جدید آن را به صورت سه لوح فشرده منتشر می‌کند. دادگاه استرالیا دعوی شرکت *تل‌استرا* را با استناد به رأی فیست و با این استدلال رد می‌کند که اثر خواهان فاقد حداقل خلاقیت لازم برای جلب حمایت کپی‌رایت است.

2. University of Waikato v. Benchmarking Service Ltd (2004) NZCA 90

در این پرونده، خواهان، دانشگاه ویکاتو، در سال ۲۰۰۴ نتایج تحقیقات سالانه خود در خصوص اطلاعات مالی مشاغل نیوزلند را منتشر و ادعا کرد خواننده دعوی، شرکت خدمات *بنچ مارکینگ*، از اطلاعات مزبور استفاده و آن را به مشتریان خود ارائه می‌کند. دادگاه تجدیدنظر نیوزلند با استناد به پرونده فیست به علت عدم وجود خلاقیت در تحقیق سالانه دانشگاه، آن را مشمول حمایت ندانست و در نتیجه دعوی خواهان را رد نمود.

3. E.Book Co & Ors v. Nawin J Desai & Anr (2008).

اصالت آمریکایی نزدیک شده است. همان گونه که در مبحث پیشین بیان شد، در این کشورها اثری دارای اصالت است که بازتاب‌دهنده و بیان‌کننده شخصیت خالق باشد. در سال‌های اخیر، دادگاه‌های فرانسه رویکردی بسیار شبیه به رویکرد دادگاه‌های آمریکا در پیش گرفته و اعلام کرده‌اند که اصالت ورای کار خالق به انتخاب‌های خلاقانه او بستگی دارد (Hariani, 2011: 512).

بررسی رویه قضایی در کشورهای دارای حقوق نوشته و عرفی نشان می‌دهد که مفهوم اصالت در نظام حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری سیر تکوینی خود را به سمت تعریف واحدی طی کرده است و معیار جرعه آمریکایی به‌عنوان کاربردی‌ترین معیار احراز اصالت به‌طور نسبی مقبول اکثر نظام‌های حقوقی افتاده است.

همان گونه که در پرونده «فیست» نشان داده شد، یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در حیطه احراز اصالت، مسئله آثار گردآوری شده است. در این آثار پدیدآورنده تنها تجدید می‌کند، اضافه می‌کند یا آثار قبلی دیگر پدیدآورندگان یا ایده‌ها و اطلاعات برآمده از حیطه عمومی را دوباره طبقه‌بندی می‌کند. این آثار چنانچه واجد شرط اصالت باشند، نظام مالکیت ادبی و هنری از آن‌ها حمایت می‌کند و بسته به نظام‌های مختلف حقوقی، حمایت بین ۵۰ تا ۷۰ سال پس از مرگ خالق به آن‌ها اعطا می‌شود.

مطابق معیار «تلاش» انگلیسی، خالقان آثار گردآوری شده با اثبات و نشان دادن زمان و تلاش لازم برای خلق این گونه آثار می‌توانند حمایت کپی‌رایت را دریافت دارند. با این حال، بر اساس معیار جرعه (خلاقیت) احراز اصالت در این گونه آثار آسان نیست.

بخش دوم این مقاله معیار احراز اصالت در آثار گردآوری شده را بررسی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه ممکن است تحت معیار «تلاش» و معیار «جرعه» از این آثار حمایت بشود.

گفتار دوم

۱. آثار گردآوری شده^۱

یک اثر گردآوری شده با انتخاب اطلاعات و داده‌هایی که در حیطه عمومی وجود دارد مثل نام‌ها، نشانی‌ها، شماره‌های تلفن و نظایر این‌ها، با تنظیم و مرتب کردن این داده‌ها در یک

مجموعه، خلق می‌شود. سالنامه‌ها^۱، کاتالوگ‌ها، پایگاه‌های داده، دائره‌المعارف‌ها، جُنگ‌ها، گلچین‌های ادبی^۲ و ... نمونه‌هایی از آثار گردآوری شده هستند.

پیش از قضیه فیست، این سؤال که چه ضابطه و معیاری، اصالت ضروری برای حمایت را در یک اثر گردآوری شده محقق می‌سازد، برای دادگاه‌ها موضوع بحث‌برانگیزی شده بود. رأی صادره دادگاه عالی ایالات متحده در دعوی فیست از سوی حقوقدانان و قضات دیگر دادگاه‌ها به‌عنوان یک تصمیم تاریخی و تحول قانونی شگرف ستوده شد. دادگاه با این اقدام ریسک بزرگی را انجام داده و موفق شد مفهوم نوینی از اصالت را ارائه دهد. رأی فیست همچنین به تشریح آرای طولانی میان حوزه‌های قضایی فدرال در خصوص حمایت قانونی از حق کپی‌رایت مربوط به تألیفات پایان بخشید. در واقع، دعوی فیست نقشی بسیار بیشتر از یک رفع خصومت داشت؛ زیرا موفق شد یک خلأ اساسی در فهم مفهوم خلاقیت را از میان بردارد (Gervais, 2002: 949).

سؤال این است که آیا صرف جمع‌آوری و فهرست کردن داده‌های واقعی، کافی است تا یک اثر اصیل ارزیابی شود؟ یا می‌بایستی برخی ارکان و مضامین تألیفی به اثر اضافه شود؟ یا گزینش و نظم‌دهی خاصی در گردآوری داده‌ها صورت گیرد؟

برخی دادگاه‌ها بر این نظر بودند اثری که حقایق از پیش موجود را صرفاً تجسم می‌بخشد و از مؤلف سرچشمه نمی‌گیرد، شایسته حمایت نیست. منطق این رویه بر پایه یکی از اهداف عمده حقوق مالکیت ادبی و هنری استوار است. مطابق این هدف، حمایت از کپی‌رایت نباید عموم را در استفاده از وقایع، اطلاعات و آثار موجود در حیطه عمومی محدود سازد. با این وجود با استمرار این هدف در حقوق کپی‌رایت، امروزه دادگاه‌ها از بخشی از آثار گردآوری شده حمایت می‌کنند. لذا این سؤال مطرح است که اگر حقایق و داده‌های موجود غیرقابل کپی‌رایت هستند، چگونه مجموعه آن‌ها ممکن است اصیل ارزیابی شده و قابل حمایت باشند؟ (Abramas, 1992: 7-8).

مطابق رأی صادره در پرونده فیست، در بررسی یک اثر گردآوری شده به‌منظور احراز یا عدم احراز اصالت، تمرکز بر تک‌تک عناصر اثر نیست، بلکه بر مجموعه و ترکیب آن عناصر به‌طور کلی متمرکز می‌شوند. در واقع، نحوه چینش و تنظیم عناصر، ممکن است شاخصی برای احراز اصالت در خصوص آثار تألیفی و گردآوری شده باشد.

همان گونه که هر اثر موسیقایی ترکیبی از نت‌های اصلی است، هر نقاشی، اثر خلق شده از رنگ‌ها و ضربه‌های قلم‌مو است و هر داستانی، صرفاً ترکیبی از کلمات است اما دادگاه‌ها اصالت

1. Almanac.
2. Anthology.

این آثار را به تنهایی و جدا از اصالت تک تک مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن‌ها بررسی می‌کنند و اثری که مجموعه‌ای از آثار و مطالب غیراصیل باشد را مورد حمایت قرار می‌دهند. از نظر دادگاه اگر مطالب به شکلی اصیل گزینش شده، کنار هم قرار داده شده و یا تنظیم شده باشند، ممکن است در عین حالی که اجزای سازنده آن، سزاوار برخوردار از حمایت نباشند لیکن و صرفاً بخاطر شیوهی خاصی که در آن این عناصر ترکیب شده‌اند، مورد حمایت قانون قرار گیرند. از دیدگاه طرفداران حمایت نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری از آثار گردآوری شده، اگر شیوه خاص ترکیب فی‌نفسه اصیل باشد، این آثار شایسته حمایت هستند (McDaniel, 2009: 171).

ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت آمریکا مصوب ۱۹۷۶، یک مجموعه شایسته حمایت از جانب حقوق کپی‌رایت را این‌گونه تعریف می‌کند: «اثر متشکل از گردآوری مواد موجود یا اطلاعات منتخب، هماهنگ شده یا تنظیم شده به شیوه‌ای که اثر تولید شده یک کار اصیل محسوب شود». در پرونده فیست، طبق نظر دادگاه، دفترچه راهنمای تلفن شرکت خواهان، اصیل نبود؛ زیرا انتخاب و هماهنگ کردن و تنظیم واقعیات شرکت مخابراتی در این دفترچه، شرط لازم حداقل درجه‌ای از خلاقیت را نشان نمی‌داد. به نظر دادگاه، شرکت خواهان در دفترچه راهنمای خود اولاً اطلاعات بسیار اولیه، نام، شهرستان محل اقامت و شماره تلفن هر شخص را انتخاب کرده بود. این انتخاب‌های بدیهی، غیرخلاقانه بودن اثر را ثابت می‌کرد. ثانیاً شیوه گردآوری و تنظیم این واقعیات نیز غیرخلاقانه بود که به صورت سنتی بر اساس لیست کردن مشترکین بر اساس حروف الفبا بود» (Littrell, 2002: 201).

مطابق معیار آمریکایی اصالت، این شیوه خاص ترکیب عناصر در آثار گردآوری شده برای آنکه واجد حمایت کپی‌رایت باشد، باید از حداقل خلاقیت یا همان معیار «جرقه» برخوردار باشد. برای احراز این شرط و کشف خلاقیت در اثر گردآوری شده، لازم است روش احراز اصالت بر اساس رویه قضایی ایالات متحده در این‌گونه آثار تجزیه و تحلیل شود و سپس با اشاره به رویکرد نظام رومی-ژرمنی، مفهوم خلاقیت مورد نیاز در این آثار شناسایی و نهایتاً، دامنه حمایت نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری در این‌گونه آثار تعیین شود.

۲. احراز اصالت در آثار گردآوری شده در رویه قضایی آمریکا

همانگونه که قبلاً بیان شد، دادگاه در قضیه فیست به این نتیجه رسید که دفترچه راهنمای تلفن شرکت خدماتی رورال فاقد خلاقیت لازم برای برخوردار از حمایت کپی‌رایت است. به عقیده

دادگاه آنچه در این دفترچه راهنمای تلفن منظم شده است، داده‌های غیرقابل حمایت کپی‌رایت است و طریق به کارگیری آن‌ها نیز فاقد خلاقیت لازم است.

دادگاه در این پرونده گفته است برای برخورداری از حمایت، گرچه لازم نیست وقایع در یک طریق شگفت‌آور یا مبدعانه ارائه شوند ولی گزینش و نظم‌دهی آن‌ها نیز نمی‌تواند واضح و بدیهی باشد و ابداً مستلزم خلاقیتی نباشد (Abramas, 1992: 14).

اطلاعاتی که شرکت خدماتی رورال از مشترکین تلفن بر اساس حرف اول نام خانوادگی آنان ترتیب داده بود، نمی‌توانست خلاقیت مورد نیاز در معیار «جرقه» آمریکایی را دارا باشد. چنین گزینش و هماهنگی اگرچه به‌عنوان یک سنت قدیمی محترم است؛ لیکن برای آنکه بخواهد اصیل قلمداد شود، بسیار معمولی و پیش‌پافتاده است (Fenzel, 2007: 566).

از رأی صادره در این پرونده می‌شود به این نتیجه رسید که هیچ شکی وجود ندارد که تنظیم دفترچه راهنمای تلفن بر اساس نام خانوادگی ممکن است امری کاربردی و مفید باشد؛ لیکن این طریق ارائه، بدیهی‌ترین روشی است که در چنین گردآوری‌هایی وجود دارد؛ بنابراین خلاقیت لازم در احراز اصالت را ندارد. برای آنکه گردآوری اطلاعات اصیل باشد، مؤلف باید انتخاب یا نظم‌دهی داده‌ها را مستقلاً انجام دهد و تلاش انجام شده، معمولی و پیش‌پافتاده نباشد. در نتیجه از خلاقیت حداقلی برخوردار باشد.

اکثر تألیفات و گردآوری‌های انجام شده مورد حمایت کپی‌رایت، حداقلی از خلاقیت را کسب کرده‌اند. پرونده‌هایی که پس از پرونده فیست رسیدگی شدند و حکم‌شان صادر شد، تعیین این میزان از خلاقیت و تفاوت آن با هماهنگی‌ها و گردآوری‌های بدیهی و حمایت‌ناشدنی از جانب نظام کپی‌رایت را به‌خوبی نشان می‌دهند. پرونده شرکت انتشاراتی کی^۱ نمونه برجسته‌ای از این آراست. در این پرونده، دادگاه دریافت که راهنمای تلفن انتشارات کی که صرفاً برای خدمت به جامعه چینی-آمریکایی نیویورک مهیا شده است، حداقل خلاقیت را دارد و در نتیجه، با معیار مقبول در پرونده فیست مطابقت دارد.

اگرچه راهنمای کی شامل لیست‌های قبلاً انتشار یافته در راهنمای رستوران‌های چینی بود ولی هنگامی که علیه خواننده بابت استفاده از اطلاعات گردآوری شده‌اش در این راهنمای تلفن شکایت کرد، دادگاه بخش، اثر او را اصیل و قابل حمایت دانست و خواننده را به نقض کپی‌رایت محکوم کرد. دادگاه معتقد بود خانم وونگ^۲، مؤلف راهنمای کی، در انتخاب هر کسب و کار و

1. Key Publication Inc v. chinatown Today Publishing Enterprise 945 F.2D 509 (1991).

2. Ms. Wang.

تجارت خانه‌ای، گزینش‌های هوشمندانه‌ای را در فهرست منتشر شده‌اش انجام داده است؛ مثلاً اگر او معتقد بود که رستوران یا فروشگاه‌های برای مدت طولانی در بازار چینی‌های مقیم نیویورک دوام نمی‌آورد، نام آن را در فهرست خود وارد نمی‌کرد. دادگاه معتقد بود این راهنما در گزینش اطلاعات اصیل است؛ زیرا برخی از بخش‌های فهرست شده در صفحات زرد آن فقط مورد علاقه جامعه چینی-آمریکایی است که با گزینش مؤلف انتخاب و مشخص شده است.^۱ دادگاه گزینش‌ها و انتخاب‌های خانم وونگ را با معیار مورد نیاز در قضیه فیست برای احراز اصالت منطبق دانست (Fenzel, 2007: 567). دادگاه در این پرونده، معیار فیست را اعمال و انتخاب‌های انجام شده در فهرست راهنما را خلافانه قلمداد کرد. مطابق نظر دادگاه، انتخاب کسب و کارهای معین و حذف بقیه آن‌ها، نیاز به فکر و خلاقیت دارد. گردآورنده تصمیم به حذف کسب و کارهایی از آن مجموعه گرفت که اعتقاد داشت به زودی پایان می‌پذیرند. به علاوه، انتخاب دسته‌بندی‌های معین و تنظیم کسب و کارهای ذیل آن‌ها بدیهی نبود، بلکه مستلزم خلاقیت بود و بنابراین الزامات خواسته شده در پرونده فیست را دارا بود (Littrell, 2002: 203).

مثال دیگر در این مورد، پرونده شرکت آمریکایی بی‌فون^۲ است. در این پرونده، دادگاه حکم کرد که کتاب راهنمای خواهان قابل حمایت کپی‌رایت است؛ زیرا کتاب مزبور نتیجه صدها ساعت بازیابی، تحلیل و تغییر تعرفه‌های ایالتی و مقررات پنجاه ایالت است که توسط بی‌فون در یک فهرست پنجاه و یک صفحه‌ای ساده و خواندنی منتشر شده است. اگرچه این هماهنگی در ابتدا پیش‌پاافتاده و سطحی می‌نماید ولی دادگاه انتخاب‌ها و هماهنگی‌های انجام‌شده برای تهیه آن را مطابق معیار «جرقه» تشخیص داد (Fenzel, 2007: 568).

در سال ۲۰۰۰ در پرونده هاکین علیه اسکای^۳، دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده آمریکا به اصالت تصاویر بطری‌های ودکای خواهان رأی داد. در این پرونده، هاکین به‌عنوان عکاس تبلیغاتی شرکت اسکای انتخاب شده بود ولی پس از انتشار سه عکس، شرکت اسکای اعلام کرد که از این عکس‌ها راضی نیست و عکاسان دیگری استخدام کرده است. پس از اینکه خواهان عکس‌های مشابه عکس‌های تبلیغاتی خود را بر بیلبوردها مشاهده کرد، علیه خواننده بابت نقض حق کپی‌رایت شکایت کرد. این در حالی بود که خواننده مدعی بود عکس‌های هاکین از بطری‌های ودکا فاقد اصالت است.

1. Such as Bean Curd & Bean Spkout Slops.

2. U.S Payphone, Inc v. Executive Unlimited of Durham, Inc , 781 F.Supp.412 (M.D.N.C. 1991).

3. Ets-Hokin v. Skyy Spirits 225 F.3d 1068 (9th cir 2000).

دادگاه در تصمیم خود، تصاویر را با جزئیات توصیف کرد: «در هر سه تصویر، بطری در یک پس‌زمینه ساده سفید یا زرد و نورپردازی از پشت نمایان است. بطری به نظر از سمت چپ روشن شده است، به طوری که سمت راست در کمی سایه قرار دارد. در دو عکس فقط بطری به نمایش درآمده و در سومی یک مارتینی در کنار بطری قرار گرفته است».

دادگاه در بررسی‌های خود تئوری قدیمی اصالت تصاویر را تکرار کرد. از این منظر، عکاس یک تصمیم شخصی در مورد سوژه عکس، زاویه آن، نورپردازی و تعیین زمان دقیقی که عکس باید گرفته شود را اتخاذ کرده است؛ بنابراین تأثیر شخصی عکاس در اثر نمود می‌یابد و آن را اصیل می‌نماید. دادگاه بیان کرد که تصمیمات خواهان در مورد نورپردازی، سایه‌گذاری، زاویه، پس‌زمینه و غیره بیش از میزانی است که معیار فیست برای خلاقیت لازم می‌داند (Littrell, 2002: 203-204).

بررسی و تحلیل آرای صادره در پرونده فیست و پرونده‌های پس از آن مشخص می‌کند که دادگاه‌ها در مواجهه با آثار گردآوری شده با این سؤال اساسی روبه‌رو هستند که آیا این آثار آن‌چنان متفاوت از داده‌های اصلی هستند که بتوانند مدعی حمایت کپی‌رایت شوند یا اینکه چنان شبیه اصل هستند که عاری از هرگونه عنصر خلاقانه هستند؟

همان‌گونه که در سایر آثار اشتقاقی تولید یک نسخه المثنی عین‌به‌عین ممکن نیست واجد حمایت کپی‌رایت بشود، در داده‌های تألیفی و گردآوری شده نیز چنین حالتی حکفرماست. پس از فیست، اصالت تنها با صرف هزینه و زمان به دست نمی‌آید. فیست وجود سهمی از استقلال و عناصر اصیل را در اثر جدید لازم می‌داند تا اثر جدید به چیزی بیشتر از یک تقلید صرف تبدیل شود. در واقع، انتخاب اسامی یک فهرست، مثلاً بر اساس نظم الفبایی، خلاقانه‌تر از یک کپی دقیق از یک اثر در اندازه‌ای متفاوت نیست؛ بنابراین هیچ یک از آن‌ها نمی‌توانند مدعی حمایت کپی‌رایت به‌عنوان اثر اصیل شوند.

در قضیه فیست، دادگاه برای جلب حمایت کپی‌رایت، مؤلف را ملزم نمی‌کند که اثرش جدید^۱ یا ابتکاری^۲ یا شگفت‌انگیز^۳ باشد اما این اثر می‌بایست بازتابی از واکنش شخصی مؤلف به موضوع باشد (Abramas, 1992: 48). دادگاه اظهار داشت: «احتمالاً اکثریت قریب به اتفاق تألیفات این معیار را پشت سر خواهند گذاشت اما در مورد همه آن‌ها چنین نخواهد شد. دسته محدودی از آثار باقی می‌مانند که در آن‌ها جرقه‌ای از خلاقیت مطلقاً وجود ندارد یا به‌حدی اندک است که

1. Novel.
2. Innovative.
3. Surprising.

می‌توان وجودش را نادیده گرفت» (Abramas, 1992: 48).

۳. رویکرد نظام رومی ژرمنی به مفهوم اصالت در آثار گردآوری شده

طبق موارد پیش گفته، معیار سنتی اصالت در کشورهای رومی - ژرمنی مانند فرانسه مفهومی نسبتاً انتزاعی داشت، به این معنا که اثر باید بیان کننده یا منعکس کننده طرز تفکر شخص نویسنده باشد. چنین رویکردی طبیعی است؛ زیرا مفهوم انتزاعی از اصالت در طول قرن نوزدهم میلادی نمایان شده و بیان رایج هنری در آن زمان، نقاشی و مجسمه‌سازی و نویسندگی، بیانی درونی از وضعیت عاطفی و ذهنی نویسنده بوده است. به عبارت دیگر، تفاوت‌های یک اثر از دیگری بدون وجود منطق و ملاک مشخصی شکل می‌گرفت، یعنی بازتابی از ذهنیت انتزاعی خود نویسنده بود. با این حال، انواع آثار گردآوری شده از سوی دادگاه‌های فرانسه شناسایی و حمایت شده‌اند: مانند آثار مربوط به مطالعات اماری، جدول مقایسه رتبه‌بندی توسط مخاطبان تلویزیون، کتاب‌های راهنمای تلفن تخصصی و تقویم. دیوان عالی کشور فرانسه در آرای متعدد خود تصریح کرد که معیار سنتی اصالت نمی‌تواند برای آثار نوین مانند پایگاه داده‌های تألیفی و نرم‌افزارهای کامپیوتری استفاده شود. دادگاه‌های کشور فرانسه تلاش کردند تا با توسعه ضوابط و معیارهای جدید و دقیق، نوع نگرش معیار سنتی را ارتقا بخشند و با پاسخ به این پرسش معیار دقیق‌تری ارائه دهند که آیا نویسنده اثر، طرز فکر خود را در اثر نمایان داشته یا خیر؟ پاسخ این سؤال در غالب موارد از نظر دادگاه‌های فرانسه این است که «انتخاب‌های خلاقانه» وجه تمایز اثر است (Gervais, 2002: 968).

دادگاه تجدیدنظر پاریس در یک دعوی که موضوع آن اصالت یک فرهنگ لغت دوزبانه بود، بیان کرد که علی‌رغم هر عملکرد بدیهی یا ازپیش تعیین شده‌ای، اصالت تنها می‌تواند به «خلاقیت فکری» اطلاق شود. استنباط مشابهی توسط همان دادگاه، چندسال بعد، در دعوایی راجع به کتاب فهرست لغات بومی ایالت لوئیزیانا صورت گرفت. نمونه قابل توجه دیگر در باب تألیف مجموعه داستان‌های کوتاه فولکلور بود؛ چراکه خود داستان‌ها به‌طور عمومی به دلیل انقضای مدت حمایت قانونی، دیگر مورد حمایت نبودند ولی مجموع آن‌ها ممکن بود به دلیل انتخاب و چیدمان آن فولکلورها مورد حمایت از سوی نظام حق مؤلف واقع شوند. دادگاه به دلیل «انتخاب داستان‌ها در سیاق خاصی از روایت و نیز بیان آن‌ها به سبک خود که منجر به تنظیم هدفدار آن‌ها شده بود» آن اثر را به‌عنوان اثری دارای اصالت و متعلق به گردآورنده شناخت

(Judge, 2010: 379).

از مجموع آرای صادره در دادگاه‌های فرانسه به این نتیجه می‌رسیم که رویه قضایی این کشور در مسیر ارتقای مفهوم اصالت به معیار جرقه نزدیک و احراز اصالت در آثار گردآوری شده را منوط به «انتخاب و گزینش خلاقانه» در اثر می‌داند. هرچند به‌طور قطع نمی‌توان گفت اما گرایش علمای حقوق و رویه قضایی در دادگاه‌های بلژیک، هلند و سوئیس نیز «انتخاب و گزینش خلاقانه» در احراز اصالت برای آثار گردآوری شده است (Gervais, 2002: 969).

آرای صادره در تمامی نظام‌های حقوقی یک رهیافت قطعی به دنبال دارد: «صرف کار و تلاش به‌تنهایی شایسته حمایت نیست». با این حال چنین قطعیتی نیاز به شفافیت دارد. با اینکه رأی صادره در پرونده فیست توانست نقطه عطفی در مفهوم اصالت ایجاد کند اما دو موضوع هم‌چنان نیاز به بررسی و مذاقه بیشتر دارد: ۱. از حیث کمی، حداقلی از خلاقیت چه میزان است؟ ۲. از حیث کیفی، چه اثری خلاقانه است؟ در بخش بعدی به این دو موضوع پرداخته می‌شود.

۴. خلاقیت در احراز اصالت آثار گردآوری شده

قبل از ورود به بحث خلاقیت و چگونگی احراز و تعیین آن از جانب رویه قضایی ایالات متحده آمریکا می‌بایست به این نکته توجه شود که آن‌چه به‌عنوان حداقل درجه‌ای از خلاقیت در آثار گردآوری شده مورد نیاز است، مربوط به مرحله گزینش و انتخاب است نه مفاد و محتوی اثر تألیف شده. یک اصل پذیرفته شده و جهان‌شمول در حقوق مالکیت ادبی و هنری وجود دارد و آن، اصل حمایت نکردن از ایده‌ها است. مطابق این اصل، نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری از بیان یک ایده با یک روش خاص حمایت می‌کند و نه از خود ایده. از این اصل کلی، دو اصل فرعی به دست می‌آید: نخست این که یک تفاوت واضح بین شکل^۱ و عملکرد^۲ وجود دارد و اصل دوم تفاوت بین شکل و واقعیت است.^۳ حقوق مالکیت ادبی و هنری از شکل حمایت می‌کند و نه از عملکرد و واقعیت؛ بنابراین همان‌گونه که در همه نظام‌ها پذیرفته شده است، با توجه به اصل اول، این نظام حقوقی از تکنیک‌های ادبی یا هنری یا فرآیندهای صنعتی، اقتصادی و مالی حمایت نمی‌کند (Hariani, 2011: 509). همچنین با توجه به اصل دوم، این نظام از بیان و توصیف واقعیت‌های خارجی حتی اگر برای اولین بار باشد حمایت نمی‌کند.

1. Form.
2. Function.
3. Fact.

در پرونده تیلور^۱ که مثالی کلاسیک برای اصل دوم است، خواهان مدعی جلب حمایت کپی‌رایت برای بیان وقایع ثبت شده در یک کتاب مسابقه بود اما دادگاه استرالیا به‌صراحت نظر داد که کپی‌رایت برای هیچ شخصی حق انحصاری در قبال بیان یا توصیف وقایع خاص قائل نمی‌شود. هیچ انحصاری در رابطه با وقایع از طریق اولین بیان به وجود نمی‌آید. یک شخص نمی‌تواند با اولین بیان این خبر که یک فرد از اتوبوس سقوط کرد، یا یک اسب خاص برنده یک مسابقه شده، دیگران را از بیان آن وقایع منع کند (Hariani, 2011: 510).

از تحلیل رأی دادگاه استرالیا این نتیجه حاصل می‌شود که هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی حق انحصاری درباره وقایع، حقایق و آثار موجود در حیطه عمومی شود حتی اگر او برای به دست آوردن آن‌ها کار زیادی کرده باشد. بیان این حقایق، فقط به‌صورتی می‌تواند موجد اصالت و متعاقباً حمایت کپی‌رایت بشود که شکل بیان آن با حداقل درجه‌ای از خلاقیت در گزینش، ترتیب، چینش و نظم‌دهی این وقایع همراه باشد؛ لذا ملاحظه می‌شود دادگاه از شکل، آن هم با حداقلی از خلاقیت در نظام کپی‌رایت حمایت می‌کند و صرف بیان یک واقعه حمایت را به همراه ندارد.

با اینکه تعریف خلاقیت در پرونده فیست بیش از آنکه توضیحی باشد، توصیفی است اما روشن است که خلاقیت به‌عنوان اصطلاحی هنری در حقوق مالکیت ادبی و هنری از حیث کمی، مانند اصالت، در پایین‌ترین سطح کمی نگه داشته شده است. خلاقیت در مقایسه با تازگی^۲ معیار پایین‌تری است و برای خلاق بودن نیازی نیست که انتخاب، هماهنگی و ارائه حقایق، نوآورانه و شگفتی‌آور باشد.

مطابق رأی فیست، درجه اندکی از خلاقیت کافی است و شناسایی این حد از خلاقیت موجب می‌شود اکثریت قریب به اتفاق آثار به آسانی به این درجه دستیابند، زیرا آن‌ها دارای مقداری جرعه خلاقانه هستند و مهم نیست این مقدار تا چه میزان خام، کم و بدیهی باشد (Judge, 2010: 404).

خلاقیت، مطابق رأی فیست، باید از یک تلاش مستقل بیشتر باشد، یعنی تلاشی که بدیهی نباشد و دارای حداقلی از خلاقیت باشد. در رأی فیست آمده است که «رورال [نمی‌تواند] در هماهنگی و چیدمانش از وقایع ادعای اصالت کند؛ زیرا هیچ‌چیز ابداً خلاقانه‌ای در مورد فهرست کردن اسامی بر اساس حروف الفبا در صفحات یک دفترچه راهنما وجود ندارد». ملاحظه می‌شود

1. Victoria Park Racing and Recreation Ground Company v. Taycor (1937)-HCA 45.

2. Novelty.

که دادگاه با انتخاب و گزینش وقایع به عنوان یک مسئله مستقل و مجزا برخورد می کند، به این معنی که اگر خلاقیت لازم در انتخاب داده ها یافت شود، فارغ از اینکه داده های هماهنگ شده و پردازش شده، خود اصیل باشند یا نه، کتاب راهنما قابل حمایت کپی رایت خواهد بود.

از تحلیل محتویات رأی صادره در پرونده فیست این نتیجه به دست می آید که اصالت در گرو گزینش های خلاقانه^۱ از جانب پدید آورنده است. «گزینش های خلاقانه» به معنای آن دسته از انتخاب هایی است که توسط انسان خلق می شوند و در آن ها از روش ها و تکنیک های معمول و استانداردهای رایج استفاده نشده باشد. آثار ادبی و هنری نتیجه سه نوع انتخاب هستند: انتخاب های تکنیکی^۲ که به وسیله تکنیک های قدیمی استفاده شده حاکم می شوند (مثلاً در نقاشی یا عکاسی یا فرم های معینی در شعر)؛ انتخاب های کارکردی^۳ که به طرزی ناگزیر، عملکردی سودمند را بر اثر تحمیل می کنند (مثلاً یک صندلی نباید سرنگون شود وقتی کسی روی آن می نشیند)؛ در نهایت، انتخاب های خلاقانه که باید حقیقتاً از خالق اثر نشأت گرفته باشند، به صورتی که اگر شخص دیگری آن را انتخاب و گزینش می کرد، نتیجه احتمالاً متفاوت می شد. حقوق مالکیت فکری برای انتخاب گروه های اول و دوم پاداشی ندارد. نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری بر دسته آخر تمرکز دارد و از آن حمایت می کند (Judge, 2010: 377).

انتخاب خلاقانه توسط پدید آورنده صورت می گیرد؛ بنابراین، از حیث کیفی، مفهوم خلاقیت تماماً با تفکر انسانی مرتبط است. روش ها، تکنیک ها، عملکردها و استانداردهای رایج قابل اعمال در اثر، انتخاب های پذیرفته شده قراردادی و بی اهمیتی هستند که برای جلب حمایت قانونی کافی نیستند. یک انتخاب انسانی آگاهانه، شایسته حمایت است، حتی اگر این انتخاب به نظر نامعقول آید. قرار دادن یک گروه از داده ها در یک ساختار رایج و بدیهی، در حقوق آفرینش های ادبی و هنری حمایتی را جلب نمی کند. فهرست الفبایی مشترکین تلفن، یک فهرست تاریخی از رؤسای جمهور کشورها، فهرست عددی از کد پستی مناطق، فهرستی از شهرها بر اساس جمعیت، فهرستی از بازیکنان فوتبال بر اساس تعداد بازی در تیم ملی و موارد مشابه، خلاقیت مورد نظر فیست را نخواهد داشت.

چند سال پس از صدور رأی فیست، شاهد رأی دیگری از دادگاه های آمریکا هستیم. این رأی علاوه بر اینکه بر اساس نوآوری های پرونده فیست صادر شده است، ممکن است در تشخیص

1. Creative Choices.
2. Technical Choices.
3. Functional Choices.

خلاصیت روشن‌گر باشد و ما را راهنمایی کند. در پرونده کرگوس^۱ خواهان فرمی حاوی اطلاعات آماری درباره بازیکن پرتاب‌کننده روبه‌رو در بازی‌های آتی بیس‌بال طراحی کرد. این فرم شامل ۹ دسته اطلاعات طبقه‌بندی شده بود. بعد از آنکه خواهان (کرگوس) فرم خود را چاپ کرد، خبرگزاری آسوشیتدپرس فرمی کاملاً مشابه منتشر ساخت که فقط به لحاظ تزئین متفاوت بود. دادگاه نخستین در این دعوی اعلام کرد که فرم‌های خواهان اصالت لازم برای بهره‌مندی از کپی‌رایت را ندارند اما دادگاه تجدیدنظر از مقایسه فرم‌های کرگوس با داده‌های مشابه پیشین به این نتیجه رسید که قبل از انتشار فرم کرگوس، هیچ فرمی ۹ آیتم مشابه را به طریق و شکلی فهرست‌بندی نکرده است که در فرم کرگوس جمع‌آوری شده‌اند. در فرم‌های قبلی، قسمت‌های کمی با فرم کرگوس مشترک هستند که این قسمت‌های مشترک با قسمت‌های متفاوتی جمع‌آوری شده‌اند که کرگوس انتخاب و چینش کرده است. فرم‌های قبلی، هیچ کدام حاوی بیشتر از ۳ قسمت نبودند که در فرم کرگوس وجود داشت و یکی از بخش‌های کرگوس، هرگز بیش از این در هیچ فرمی نیامده بود.

پرونده کرگوس توانست برخی از پیچیدگی‌های مربوط به توضیح و شرح عنصر خلاصیت را روشن سازد که توسط فیست پایه‌گذاری شده بود. فیست به ما نمی‌گوید که معیار خلاصیت چیست، بلکه صرفاً می‌گوید که انتخاب و هماهنگی وقایع اگر تماماً معمولی، پیش‌پاافتاده یا بدیهی باشد، خلاصیت را نخواهد ساخت. فیست فقط تأکید کرد که چیدمان الفبایی اسامی به قدر کافی برای احراز اصالت خلاقانه نیست اما تعریف و شرح این خلاصیت را به رویه قضایی آینده واگذار کرد.

دادگاه در قضیه کرگوس از مفاهیم و اصطلاحاتی استفاده کرد که در قضیه فیست به‌عنوان معیاری جهت خلاصیت به کار رفته بود و گفت: آثار گردآوری شده و تألیفی که از این معیارهای حداقلی (انتخاب و چیدمان بدیهی) فراتر رفته باشند، دارای خلاصیت و در نتیجه از حمایت کپی‌رایت برخوردار هستند. با اینکه پرونده فیست این مفهوم را به‌صورت منفی بیان می‌کند: «اثری که نتواند از این حداقل‌ها فراتر رود، قابل حمایت کپی‌رایت نیست»؛ رأی کرگوس به‌صورت مثبت پاسخ ما را می‌دهد: «هر اثری که از این حداقل‌ها فراتر رود برای قابلیت حمایت کپی‌رایت به حد کافی خلاقانه است» (Abramas, 1992: 24).

بر اساس تعاریف مندرج در آرای قضایی در خصوص لزوم خلاصیت در آثار گردآوری شده،

1. Kregos v. Associated Press (2d cir 1991) 731 F.Supp.113.

این نتیجه حاصل می‌شود که عنصر خلاقیت می‌بایستی یا در بخش انتخاب داده‌ها وجود داشته باشد آنگونه که در پرونده «کی» بیان شد یا در بخش هماهنگی و چینش این داده‌ها که در پرونده «کرگوس» بدان اشاره شد. این تقسیم‌بندی می‌تواند دادگاه‌ها را در احراز اصالت جهت اعطای حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری راهنمایی کند. با این حال، برخی از حقوق‌دانان معتقدند ممکن است این آرا پیامدهای ناخواسته‌ای را به دنبال داشته باشد که با هدف حقوق کی‌رایت و حقوق مؤلفان و جامعه در تعارض قرار گیرد.

از نظر ایشان در مورد خلاقیت در بخش انتخاب داده‌ها این سؤال مطرح می‌شود که اگر یک مجموعه داده شامل همه اطلاعات آن طبقه مشخص باشد، بر اساس این آرا امکان در نظر گرفتن اصالت برای آن اصولاً وجود ندارد. برای مثال، یک گردآوری می‌تواند شامل تمامی آرا و تصمیمات مکتوب دادگاه‌های فدرال ایالات متحده باشد. آیا این تصمیم در مورد انتخاب همه موارد به جهت آنکه در اصل انتخابی صورت نگرفته است، موجب می‌شود چنین اثری فاقد اصالت باشد؟ اگر پاسخ مثبت باشد، وضعیت بغرنجی برای فراهم‌کننده این داده‌ها به‌ویژه در شکل پایگاه‌های داده الکترونیکی ایجاد می‌شود؛ زیرا از یک طرف، ارزش تجاری این پایگاه‌ها وابسته بر همین کامل بودنشان است و از طرف دیگر، این پایگاه‌ها حمایت کی‌رایت را مشخصاً به دلیل کامل بودنشان از دست می‌دهند؛ در حالی که با انتخاب برخی از اعضای یک دسته از داده‌ها ممکن است به‌خوبی اصالت لازم را به‌دست آورد.

مشکل دیگر این است که آیا یک شکل استاندارد از مرتب کردن داده‌ها با قالبی نامعمول، اصیل خواهد بود، خصوصاً هنگامی که این داده‌ها به‌خودی‌خود در یک قالب دیگر کاملاً معمولی تلقی می‌گردند؟ به عبارت دیگر، یک ترکیب و چینش نامعمول از داده‌های معمولی، ممکن است فقط به این دلیل اصیل باشد که این داده‌ها و روش ارائه آن‌ها به‌عنوان یک ترکیب غیرمعمول به کار رفته‌اند. برای مثال، فهرست کردن همه آرای کی‌رایتی دادگاه‌های ایالات متحده بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی قاضی اانشاکننده رأی به علت چیدمان غیربديهی خود دارای خلاقیت است. این در حالیست که داده‌های مندرج در این اثر برای وکلا و دانشجویان کی‌رایت معمولی هستند اما به دلیل گردآوری و چینش خاص آن، نامعمول و در نتیجه باید خلاقانه محسوب شوند. احتمال دارد که این طرز چینش داده‌ها برای برخی جذاب باشد اما غیرمحمتمل است که برای بیشتر مردم سودمند باشد. با این وجود، بر اساس آرای صادره،

سودمندی محدود چنین چینی از تحقق اصالت جلوگیری نمی‌کند و چنین اثری به علت چیدمان غیر بدیهی خود دارای خلاقیت است. مثال مشابه و بسیار بعید، چنین آرای قضایی بر اساس تاریخ تفویض اختیارات قضایی قضات است. در این مثال، کاربرد و فهم سودمندی چنین گردآوری بسیار سخت است اما گردآورنده چنین پایگاه داده‌ای به سادگی می‌تواند ادعا کند که چنین چیدمانی ناشی از بینش شخصی و حتی خیالی اوست. هر چند چنین مثال‌هایی در عمل وجود ندارند اما فرض وجود آن غیرممکن نیست (Abramas, 1992: 20).

تجزیه و تحلیل آرای صادره در این بخش هر چند تا حدود زیادی توانست میزان و درجه کمی و کیفی «حداقل خلاقیت لازم برای احراز اصالت» را تبیین کند؛ لیکن رویه قضایی آمریکا و بالاخص قضیه فیست روشن ساخت که علی‌رغم راهکارهای پیش‌بینی شده در احراز خلاقیت، معیار دقیقی جهت سنجش میزان خلاقیت وجود ندارد و تعیین آن در موارد پیچیده وابسته به استدلال و نظر قضایی و تشخیص عرفی دادگاه است.

۵. دامنه حمایت از آثار گردآوری شده

دادگاه در قضیه فیست در بخشی از رأی خود آورده است: «گردآورنده به‌طور معمول داده‌ها و وقایع مورد نظر را انتخاب و آن را در جایی از اثر خود قرار می‌دهد که می‌خواهد. او همچنین تصمیم می‌گیرد چگونه این داده‌ها را جمع‌آوری و منظم کند که بتواند به‌طور مؤثری توسط خوانندگان استفاده شوند. این انتخاب‌ها و هماهنگی‌ها تا جایی به اندازه کافی اصیل تلقی می‌شوند که مستقلاً از سوی خالق انجام و حداقل متضمن یک درجه کمی از خلاقیت باشند تا مشمول حمایت حقوق کپی‌رایت شوند؛ بنابراین، حتی یک کتابچه راهنما که مطلقاً هیچ نوشته قابل حمایتی را در بر نمی‌گیرد و صرفاً حقایق را شامل می‌شود، اگر یک هماهنگی و انتخاب اصیل را نشان دهد با حداقلی از حمایت کپی‌رایت روبه‌روست».

دادگاه در ادامه رأی خود، دامنه و محدودیت‌های چنین حمایتی را بیان می‌کند: «این حمایت موضوع یک محدودیت مهم است. صرف اینکه یک اثر قابل حمایت کپی‌رایت است، به این معنا نیست که همه ارکان آن اثر حمایت می‌شوند زیرا حمایت کپی‌رایت فقط به آن اجزایی از اثر تسری می‌یابد که از خالق اثر سرچشمه گرفته‌اند؛ بنابراین، اگر مؤلف مجموعه‌ای اصیل از واژگان بر تن وقایع بپوشاند، قادر خواهد بود حمایت قانونی را برای نحوه و شیوه خاص بیان خود از وقایع

به دست آورد و مدعی حمایت کپی‌رایت بشود. در چنین وضعیتی، دیگران می‌توانند وقایع متضمن این نوشته را کپی و با واژگان خود ارائه کنند اما نه دقیقاً با واژگان استفاده شده توسط مؤلف اولی. البته جایی که مؤلف بیان خاصی را در ارائه وقایع اضافه نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد وقایع خودشان سخن گویند، در این صورت تنها بیان ممکن از ارائه وقایع، همان شیوه‌ای است که گردآورنده با روش خاص خود، انتخاب و هماهنگ کرده است. اگر این انتخاب و هماهنگی اصیل است تنها همین رکن از اثر واجد شرایط برای حمایت کپی‌رایت می‌شود.

این بخش از رأی نشان می‌دهد دادگاه آمریکا چالش اجتناب‌ناپذیر حمایت از آثار گردآوری شده و عدم حمایت از صرف ارائه وقایع را به این صورت حل کرد که: «وقایع، خواه به تنهایی یا به‌عنوان بخشی از یک گردآوری، قابل حمایت کپی‌رایت نیستند. یک گردآوری حقیقی از داده‌ها که در انتخاب و هماهنگی با وقایع چینش شده‌اند می‌توانند اصالت را نشان و در نتیجه، حمایت کپی‌رایت را دارا خواهند بود اما چنین حمایتی محدود به انتخاب و هماهنگی خواهد بود و ممکن نیست که در هیچ شرایطی کپی‌رایت به خود وقایع و داده‌ها تسری یابد».

رویه قضایی آمریکا این نتیجه را به همراه دارد که استفاده‌کنندگان بعدی از مجموعه‌های گردآوری شده مجاز خواهند بود که از حقایق و داده‌های ضمنی اثر استفاده کنند؛ لیکن نمی‌توانند آن‌ها را در همان ترتیب و انتخاب و هماهنگی به کار برند که مؤلف اولیه استفاده کرده است. به عبارت دیگر، حمایت کپی‌رایت تنها شامل «شکل»^۱ اثر گردآوری شده می‌شود.

از زاویه دیگر برای آنکه نقض کپی‌رایت در خصوص آثار گردآوری شده به وقوع بپیوندد ناقض می‌بایستی بخش قابل توجهی از شکل اصیل اثر گردآوری شده را تصاحب کند. در چنین صورتی کپی از بخش حمایت شده انجام و در نتیجه نقض اثر صورت گرفته است. برای تحقق نقض آثار گردآوری شده، ابتدا دادگاه می‌بایست در هر مورد، میان بخش‌های اصیل نشأت گرفته از خالق و بخش‌های متعلق به عموم تفکیک کند و در مرحله بعدی چنانچه کپی از بخش‌های اصیل اثر صورت گرفته باشد نقض را محقق بداند. پرونده کریستوفر لوری^۲ گرچه در مورد آثار گردآوری شده نیست ولی تفکیک دادگاه میان بخش‌های اصیل و غیراصیل در این پرونده ممکن است در تشخیص اصالت آثار گردآوری شده راهگشا باشد.

دادگاه در جریان رسیدگی به این پرونده خاطر نشان کرد که دامنه محدود حمایت کپی‌رایت^۳

1. Format.

2. Richard Satava v. Christopher Lowry 323 F.3d 805 (2003).

3. "Thni" Scope of Protection of Copyright.

در جایی به کار می‌رود که حداقلی از خلاقیت در اثر موجود باشد اما این میزان از خلاقیت نمی‌تواند حمایت گسترده کیپی‌رایت از همه اجزای اثر را به همراه داشته باشد. بیاناتی که متداول و عادی هستند به موجب حقوق کیپی‌رایت قابل حمایت نیستند، بلکه باید چیزی بیش از تغییر صرفاً جزئی در اثر وجود داشته باشد، چیزی که خود مؤلف از خلال آن قابل تشخیص باشد (McDaniel, 2009: 182).

اثر مورد نظر در دعوای لوری، یک مجسمه شیشه در شیشه عروس دریایی^۱ بود که در آن یک عروس دریایی در جهت عمودی با شاخک‌هایی پیچک مانند و رنگی و یک زنگوله گرد باریک در سطح خارجی یک شیشه شفاف قرار داده شده بود و کل مجموعه در درون یک شیشه شفاف دیگر قرار گرفته بود. در اعمال شرط اصالت برای این مجسمه، دادگاه به این مسئله توجه کرد که آیا اجرا در این اثر تجسمی، از روش معمول و متداول برای به نمایش گذاشتن یک مجسمه شیشه در شیشه عروس دریایی متفاوت است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال دادگاه چنین نظر داد:

«ساتاوا (خواهان) نمی‌تواند مانع شود که دیگران عروس دریایی را با شاخک‌های پیچک‌مانند یا زنگوله‌های گرد تجسم بخشند؛ زیرا بسیاری از عروس‌های دریایی این قسمت‌های بدنی را دارا هستند. او همچنین نمی‌تواند دیگران را از تجسم شنای عروس دریایی منع کند؛ زیرا این موجود در طبیعت نیز به صورت عمودی شنا می‌کند. همچنین ساتاوا نمی‌تواند مانع شود که دیگران عروس دریایی را با یک لایه خارجی شفاف شیشه‌ای ترسیم کنند؛ چون شیشه شفاف، مناسب‌ترین حالت برای نمایش یک موجود دریایی است. این عناصر به اندازه‌ای متداول و عادی هستند که نمی‌توانیم قائل به حمایت کیپی‌رایت برای آن باشیم».

گرچه دادگاه تأکید دارد که ساتاوا نمی‌تواند دیگران را از استفاده از این عناصر کلیشه‌ای و متداول منع کند اما در عین حال معتقد است که در اثر، بخش‌هایی وجود دارد که توسط خود ساتاوا خلق شده است و بنابراین، ممکن است از جانب کیپی‌رایت حمایت شوند: حلقه‌های متمایز از پیچک‌ها، شکل منحصر به فرد زنگوله عروس دریایی، هماهنگی رنگ‌های اصلی و نظایر این‌ها تا جایی که این انتخاب‌ها در خصوص شکل و رنگ، تابع فیزیولوژی این جانور یا اقتضائات مجسمه‌های شیشه در شیشه نیستند. در نتیجه، می‌شود این اثر را مستحق دامنه محدودی از حمایت کیپی‌رایت قلمداد کنیم، دامنه‌ای که صرفاً به کیپی‌برداری تقریباً یکسان از اثر محدود می‌شود (McDaniel, 2009: 183).

1. Jelly Fish.

این رأی نشان می‌دهد که رویه قضایی آمریکا در جهت احراز اصالت از دیدگاه عینی عبور کرده و به دیدگاه ذهنی نزدیک شده است که در نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی پذیرفته شده است. از نظر این دادگاه، آن بخش‌هایی از اثر، اصیل محسوب می‌شود که بازتاب شخصیت پدیدآورنده است و از خلال آن بتوان ویژگی‌های خالق را شناخت. در آثار گردآوری شده نیز وضعیت تقریباً مشابهی با پرونده لوری وجود دارد. این آثار از دامنه حمایتی محدودی برخوردارند که صرفاً انتخاب‌ها و هماهنگی و چینش‌های اصیل مؤلف را شامل می‌شوند.

شاید این ناعادلانه به نظر برسد که بسیاری از ثمره‌های کار مؤلف، بدون هیچ پرداختی توسط دیگران استفاده می‌شوند؛ لیکن باید توجه داشت که هدف حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری تنها پاداش و اجر مؤلف نیست، بلکه ارتقای روند جریان علم و هنر نیز است. به این منظور، این نظام حقوقی، خالقان و مؤلفان را با اعطای حق و حمایت از آثارشان به خلق آثار اصیل مجاب می‌کند و دیگران را تشویق می‌کند که آزادانه ایده‌ها و اطلاعات نقل شده در یک اثر را استفاده کنند (Abramas, 1992: 13).

رأی صادره در پرونده فیست بر این حقیقت تأکید می‌کند که نظام حقوقی کپی رایت نایستی به‌عنوان سدی در راه دسترسی عموم به داده‌ها و آگاهی از وقایع و حقایق قرار گیرد؛ زیرا کپی‌رایت هرگز قصد حمایت از این‌گونه اطلاعات را ندارد که در زمان اعطای حق در اختیار عموم قرار دارند.

در عصر اطلاعات و در یک جامعه مبتنی بر فناوری، دانستن این موضوع مایه دل‌گرمی است که دادگاه ادعاهای مربوط به کنترل، بازتولید و انتشار وقایع را به خودی خود به‌عنوان یک حق کپی‌رایتی به رسمیت نمی‌شناسد. پذیرش معیار تلاش به‌تنهایی ظرفیت بالقوه‌ای را برای ممانعت جامعه در استفاده و انتشار داده‌ها و اطلاعات ایجاد می‌کند. همانگونه که فیست به‌خوبی نشان داد، هزینه‌هایی که انحصار کپی رایت به عموم تحمیل می‌کند صرفاً محدود به قیمت‌های گزاف نیست، بلکه باعث ناتوانی دیگران در استفاده از داده‌های قبلی جهت خلق آثار جدید می‌شوند که این با هدف غایی حقوق مالکیت ادبی و هنری در تعارض قرار دارد (Abramas, 1992: 44).

۶. آثار گردآوری شده در نظام حقوقی ایران

عنوان قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و به‌کار بردن کلمه مؤلف در کنار مصنف و

هنرمند و همچنین ماده ۱ همین قانون که مؤلف را به عنوان پدیدآورنده مورد شناسایی قرار داده است، نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران از پدیدآورندگان آثار گردآوری شده حمایت می‌کند. علاوه بر این، در بند ۱۲ ماده ۲ آثاری را نیز به عنوان اثر مورد حمایت به رسمیت شناخته است که از ترکیب چند اثر از اثرهای تحت حمایت این قانون پدید آمده‌اند. در عنوان قانون، کلمه مصنفان به دنبال کلمه مؤلفان آمده است. مؤلف طبق یک تعریف قدیمی، کسی است که آثار و نوشته‌های دیگران را در مجموعه‌ای گردآوری می‌کند، مانند تهیه‌کنندگان مجموعه‌های اشعار ولی مصنف کسی را گویند که یک اثر علمی یا ادبی از خود پدید می‌آورد و کار او در واقع کاملاً ابتکاری است، مانند پدیدآورندگان رمان‌ها و آثار فلسفی اصیل (صفائی، ۱۳۷۵: ۶۰).

مقرر دیگر که در قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مؤید حمایت قانون‌گذار ایرانی از آثار گردآوری شده هست بندهای ۶ و ۷ ماده ۵ این قانون است. ماده ۵ مقرر کرده است پدیدآورنده اثرهای تحت حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید:

الف- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی (بند ۶)؛

ب- به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدیدآوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون مورد حمایت قرار گرفته است (بند ۷).

برخی از نویسندگان ایرانی با استناد به بند ۱۲ ماده ۲ و بندهای ۶ و ۷ ماده ۵ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان معتقدند که قانون‌گذار ایرانی آثار مورد حمایت را به آثار اصلی و فرعی تقسیم نموده است. آثار اصلی آن دسته از آثار را تشکیل می‌دهد که خلق آن با ابتکار و خلاقیت شخصی پدیدآورنده و بدون استفاده از آثار قبلی به وجود آمده و آثار فرعی آثاری را شامل می‌شوند که از ترکیب چند اثر قبلی ایجاد شده است. دسته اخیر مطابق ماده ۴ قانون فرانسه نیز مورد حمایت است (صفایی، ۱۳۷۵: ۷۴). با توجه به این تقسیم‌بندی می‌توان اصالت اثر را نیز به اصالت مطلق و نسبی تقسیم نمود. اصالت زمانی مطلق است که اثر بر مبنای اثر دیگری که قبلاً ایجاد شده، پدید نیامده باشد و اصالت هنگامی نسبی است که اثر، برخی عناصر اساسی یک اثر پیشین را به عاریت گرفته باشد. پدیدآورنده اثری که اصالت نسبی دارد باید حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده اثری را که مبنای اثر او بوده، رعایت کند (زرکلام، ۱۳۸۷: ۴۸).

در لایحه حمایت از مالکیت فکری، کتاب اول مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، از آثار

گردآوری شده به طور خاص صحبتی نشده است اما برای آثار اشتقاقی که مفهومی گسترده تر از آثار گردآوری شده دارد در بند ۵ از ماده ۱ و ماده ۳ مقرراتی وضع شده است. در بند ۵ ماده ۱ اثر اشتقاقی^۱ این گونه تعریف شده است: اثر برگرفته از یک یا چند اثر موجود از قبیل مجموعه گزیده آثار، گلچین اشعار، جُنگ ادبی، آثار مبتنی بر فرهنگ عامه، آثار اقتباسی، اثر ترجمه‌ای، تلخیص، چکیده و شرح اثر و برنامه رایانه‌ای سازگار و مکمل. همان طور که ملاحظه می‌شود اثر اشتقاقی مفهومی گسترده تر از اثر گردآوری شده به طور خاص دارد و شامل آثاری مانند اثر ترجمه‌ای، شرح اثر و نظایر این‌ها نیز می‌شود. قانون‌گذار ایرانی در ماده ۳ لایحه مذکور، آثار اشتقاقی را در صورتی حمایت می‌کند که اولاً از حیث چیدمان و گزینش داده‌ها دارای اصالت باشند و ثانیاً حقوق پدیدآورنده یا پدیدآورندگان اثر اصلی را رعایت کرده باشند. با توجه به تعریف اصالت در بند ۱۴ ماده ۱ همین لایحه که خلاقیت و کپی نبودن اثر را شرط احراز اصالت دانسته است، این نتیجه حاصل می‌شود که قانون‌گذار ایرانی در لایحه حمایت از مالکیت فکری تلاش کرده به معیار «جرقه» نزدیک شود.

نتیجه‌گیری

رای صادره در پرونده فیست را می‌توان به یک تحول تاریخی و یک انفجار قانونی تعبیر کرد. این رای هرچند در مورد یک اثر گردآوری شده صادر شده است، آثاری که بزرگترین چالش احراز اصالت را در بردارند اما توانست الگوی نوینی از معیار احراز اصالت، معیار جرقه را در تمامی آثار ادبی و هنری بنا نهد. آثار ادبی و هنری ایجاد شده توسط پدیدآورندگان به لحاظ آن که حاصل تراوشات ذهنی و احساسی خالقان خود هستند، خلاقیت مورد نیاز را معمولاً دارا می‌باشند؛ ولی آثار اشتقاقی و به طور خاص آثار گردآوری شده از آنجایی که برگرفته از آثار دیگران یا اطلاعات موجود هستند، برای جلب حمایت کپی‌رایت بایستی از حداقلی از خلاقیت برخوردار باشند. در صورت فقدان عنصر خلاقیت در این گونه آثار، هر اثر تألیفی به صرف جمع‌آوری آثار دیگران از مزایای حمایت نظام مالکیت ادبی و هنری برخوردار می‌شود و در نتیجه، جامعه را از دسترسی آزادانه به آثار ادبی و هنری محدود می‌کند. رای صادره در پرونده فیست اثبات کرد که گردآوری آثار موجود تنها در صورتی که به یک روش غیربديهی و به نحو خلاقانه انجام شده باشد، شایستگی حمایت نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری را خواهد داشت.

علاوه بر این، حمایت این نظام تنها شیوه‌های گزینش و انتخاب مؤلف را در برمی‌گیرد و محتوای اثر نمی‌تواند مشمول حمایت قانون قرار گردد به این لحاظ که برگرفته از آثار دیگران یا اطلاعات موجود است.

کشور ما با دارا بودن گنجینه غنی ادبیات، مجموعه‌های گردآوری شده بی‌شماری از بزرگان ادب داشته و دارد که در شکل‌های مختلف و متنوع گزینش و انتخاب شده‌اند. استفاده از تجربه و رویه قضایی کشورهای دیگر در چگونگی حمایت از این آثار برای دادگاه‌ها و دست‌اندرکاران این بخش می‌تواند راهگشا باشد. اگرچه در قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، آثاری که از ترکیب چند اثر پدید آمده تحت شرایطی حمایت شده و قانون‌گذار مؤلف را در ردیف مصنف و هنرمند قرار داده است؛ لیکن از شرط اصالت و نحوه و چگونگی احراز آن سخنی به میان نیاورده و مفهوم اصالت را تحت عنوان ابتکاری بودن اثر مورد توجه قرار داده است. لایحه حمایت از مالکیت فکری این آثار را تعریف و مقررات مناسبی در چگونگی حمایت از آن در بند ۵ ماده ۱ و ماده ۳ با توجه به رویه قضایی بین‌المللی وضع نموده است. در صورت تصویب لایحه به صورت فعلی، حمایت از آثار گردآوری شده و تألیفی با رویه قضایی کشورهای پیشرو مطابقت خواهد داشت، اگرچه مفهوم خلاقیت و نحوه احراز آن هنوز می‌تواند بحث چالش‌برانگیزی برای دادگاه‌ها ایجاد کند.

منابع

الف- فارسی

کتاب‌ها

- زرکلام، ستار، (۱۳۸۴)، *قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان (آثار ادبی و هنری)* (ترجمه)، چاپ اول، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- _____، (۱۳۸۷)، *حقوق مالکیت ادبی و هنری*، چاپ اول، تهران: سمت.
- صفایی، سیدحسین، (۱۳۷۵)، *مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، مقالاتی درباره حقوق مدنی و تطبیقی*، تهران: میزان.
- هگل، گئورک ویلهلم فریدریش، (۱۳۹۴)، *عناصر فلسفه حق*، ترجمه مهبد ایرانی طلب، چاپ سوم، تهران: قطره.

مقاله‌ها

- زرکلام، ستار، (۱۳۸۶)، «تبیین مفهوم اصالت در حقوق مالکیت ادبی و هنری»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، سال نهم، شماره ۲۲.
- صفایی، سیدحسین، (۱۳۸۱)، «بررسی حقوق مؤلف و نارسایی‌های آن در ایران»، *مندرج در مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران چالش‌ها و رهیافت‌ها*، خانه کتاب.

قوانین

- قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
- لایحه حمایت از مالکیت فکری، کتاب اول: مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط

ب- انگلیسی

Articles

- Abramas, Howard, (1992), "Originality and Creativity in Copyright Law", *Law and Contemporary Problems*, Vol. 55, No. 2.
- Fenzel, Cristin, (2007), "Still Life With "Spark" and "Sweat": The Copyright Ability of Contemporary Art in the United State and United Kingdom", *Arizona Journal of International & Comparative Law*, Vol. 24.

- Gervais, Daniel, J, (2002), “Feist Goes Global: A Comparative Analysis of the Notion of Originality in Copyright Law”, *Journal of the Copyright Society of the U.S.A*, Vol.49, 949.
- Hariani, Krishna and Hariani, Anirudh, (2011), “Analyzing "Originality" in Copyright Law: Transcending Jurisdictional Disparity”, *IDEA-The Intellectual Property Law Review*, Vol.51, No. 3.
- Judge, Elizabeth & Gervais, Daniel, (2009-2010), “Of Silos and Constellations: Comparing Notion of Originality in Copyright Law”, *Cardozo Arts & Entertainment*, Vol. 27, 375.
- Littrell, Ryan, (2002), “Toward a Stricter Originality Standard for Copyright Law”, *Boston College Law Review*, Vol.43, Issue 1, No.1.
- McDaniel, Katerine L and Juo, James, (2009), “A Quantum of Originality in Copyright”, *Chicago-Kent Journal of Intellectual Property*, Vol.8, No.169.
- Ros, Vioral & Livadariu, Andreea, (2014), “Originality-Condition for Protection of Scientific Works”, *Challenging of the Knowledge Society. Intellectual Property Law, Nicolae Titulescu University House Romania*, Vol 4 (1),

Thesis

- Sotomi, Joseph, (2005), Originality in Copyright: “A contested issue”, *Intellectual Property Law*, Dissertation LW556, University of Kent England.

Cases

- Alfred Bell & Co v. Catalda Fine Arts, Inc. United States Court of Appeals for the Second Circuit 191 F, 2d 99 (1951).
- Burrow-Giles Lithographic Company v. Sarony 111 U.S.53 (1884).
- Desktop Marketing System Pty ltd; v. Telstra Corp ltd FCAFC 112 (2002).
- Easten Book Company & Ors v. Navin J Desai & Another (2001) PTC 57 (Del)
- Ets-Hokin v. Skyy Spirits, inc 225 F.3d 1068 (9th cir 2000).

- Feist publications, Inc v. Rural Telephone Service Co .499 U.S.340 (1991).
- Key Publication Inc v. Chinatown Today Publishing Enterprise 945 F.2D 509 (1991).
- Kregos V. Associated Press (2d cir) 731 F.Supp.113 (1991).
- Richard Satav v. Christopher Lowry 323 F.3d 805 (2003).
- University of Waikato V. Benchmarking Service ltd NZCA 90 (2004).8NZBLC 101,561 (11 June 2004)
- U.S Payphone, Inc v. Executive Unlimited of Durham, Inc , 781 F.Supp.412 (M.D.N.C.1991).
- Victoria Park Racing and Recreation griund Compary v. Taycor - HCA 45 (1937).
- Walter v. Lane AC.539 (1900).





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی